



رشد ۸ درصدی؛ «هدف ناممکن» یا «ضرورت ممکن»؟

نگاهی جامع به
مجموع نظرات اقتصاددانان ایرانی
درباره امکان و امتناع
مهم‌ترین هدف‌گذاری سیاستی اقتصادی ایران

+ نقشه راه رشد ۸ درصدی



آیا هدف‌گذاری رشد ۸ درصدی در برنامه هفتم توسعه برای اقتصاد ایران، یک رویا بافی و هدف‌گذاری برآمده از مشورت‌های غلط است یا اینکه هدفی در دسترس و معقول است. آیا این هدف‌گذاری را فقط باید از رهگذر اقتصادی بررسی کرد یا اینکه باید دانش مدیریت و سیاست را هم در این هدف‌گذاری دخیل دانست؟ تک‌نگاشت شماره یک مرکز مطالعات راهبردی تسنیم تلاش دارد با رویکردی علمی چند و چون این هدف‌گذاری بزرگ اقتصاد ایران را مورد مذاقه قرار دهد؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رشد ۸ درصدی؛ «هدف ناممکن» یا «ضرورت ممکن»؟

نگاهی جامع به مجموع نظرات اقتصاددانان ایرانی درباره امکان
و امتناع مهم‌ترین هدف‌گذاری سیاستی اقتصادی ایران

+ نقشه راه رشد ۸ درصدی



مرکز مطالعات راهبردی تسنیم

میز اقتصاد ایران

عنوان تک نگاشت:

رشد ۸ درصدی؛ «هدف گذاری دور از دسترس» یا
«ضرورت سنجی ممکن»؟

نویسنده:

محمد امین حقگو

(مسئول میز اقتصاد ایران مرکز مطالعات راهبردی تسنیم)



۱.....	یافته‌های اساسی
۵.....	مقدمه
۶.....	بررسی استدلال‌های منتقدان هدف‌گذاری رشد ۸ درصدی.....
۶.....	فقدان تجربه تاریخی.....
۶.....	فقدان سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه کافی.....
۷.....	تحریم‌ها و محدودیت تجارت.....
۸.....	بیکاری و کاهش مصرف سرانه.....
۸.....	بهره‌وری پایین و فقدان نورآوری.....
۹.....	جمع‌بندی.....
۱۰.....	امکان‌سنجی رشد ۸ درصدی و پاسخ به منتقدان.....
۱۰.....	تجربه موفق رشد اقتصادی بالا در کشورهای در حال توسعه.....
۱۱.....	تجربه موفق کشورهای تحت فشار تحریم (دارای شرایط مشابه با ایران).....
۱۱.....	روسیه.....
۱۳.....	ویتنام در دهه ۹۰ میلادی.....
۱۳.....	آفریقای جنوبی در دهه ۸۰ میلادی.....
۱۴.....	کوبا در دهه ۶۰ میلادی.....
۱۵.....	تجربه موفق دولت سیزدهم.....
۱۶.....	پاسخ به یک شبهه.....

آزادسازی ظرفیت‌ها و امکان‌های مغفول اقتصاد ایران ۱۷

بخش‌های دست‌نخورده و مستعد رشد اقتصاد ایران ۱۷

به کارگیری ظرفیت مردم و بخش خصوصی در تولید ۲۰

فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی و گسترش روابط منطقه‌ای ۲۰

منطق مدیریتی و سیاسی رشد ۸ درصدی برای بازآرایی اقتصاد ایران ۲۱

جریان‌شناسی منتقدان و همراهان با رشد ۸ درصدی ۲۳

اشخاص سیاسی و علمی همراه با هدف‌گذاری رشد ۸ درصدی ۲۳

اشخاص سیاسی و علمی که هدف‌گذاری رشد ۸ درصدی را در شرایط حاضر دور از

دسترس می‌دانند ۲۵

نهاده‌ها و سازمان‌های پژوهشی- اقتصادی همراه و منتقد ۲۶

جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی ۲۹

ظرفیت‌های داخلی تحقق رشد ۸ درصدی ۳۰

اصلاح نظام پولی و سیاست هدایت اعتبار ۳۰

اصلاح ساختار بروکراسی و بهبود فضای کسب و کار ۳۱

استفاده از ظرفیت‌های مغفول اقتصادی ۳۱

توسعه زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری در بخش‌های کلیدی ۳۳

دیپلماسی اقتصادی ۳۳

نقشه‌راه تحقق رشد ۸ درصدی ۳۵



یافته‌های اساسی

◆ هدف‌گذاری رشد ۸ درصدی در برنامه هفتم توسعه محل تامل رسانه‌ها است. رسانه‌های معاند و معارض تلاش می‌کنند آن را تصمیم غلط و برآمده از مشورت‌های غلط معرفی کرده و در نهایت آن را رویابافی بنامند. اما کارشناسان منتقد براین نظرند بنا به این دلایل: ۱. تحریم‌های اقتصادی ۲. بهره‌وری پایین ۳. ناترازی انرژی ۴. کسری بودجه ۵. وابستگی به نفت ۶. فساد اقتصادی ۷. و ناکارآمدی نظام بانکی، این هدفگذاری دور است دسترس است. در نقطه دیگر برخی اقتصاددانان موفق نیز بنا به این دلایل: ۱. تجربه موفق رشد اقتصادی بالا در کشورهای در حال توسعه (چین، هند، کره جنوبی و ترکیه) ۲. تجربه موفق کشورهای تحت فشار تحریم (روسیه، ویتنام در دهه ۹۰، آفریقای جنوبی در دهه ۸۰ و کوبا در دهه ۶۰) ۳. تجربه موفق دولت سیزدهم ۴. آزادسازی ظرفیت‌ها و امکان‌های مغفول اقتصاد ایران (بخش معدن، انرژی‌های تجدیدپذیر، کشاورزی، گردشگری، نوسازی بخش صنعت و تولید) ۵. به کارگیری ظرفیت مردم و بخش خصوصی در تولید ۶. فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی و گسترش روابط منطقه‌ای ۷. بازآرایی اقتصاد ایران مبتنی بر منطق مدیریتی و سیاسی، بر این نظرند که رشد ۸ درصدی ممکن و در دسترس است.

◆ در نقد رشد با میانگین ۴ درصد در سه سال دوران آیت الله شهید سید ابراهیم رئیسی، برخی کارشناسان بر این نظرند که نرخ رشد ثبت شده در این دوران به واسطه خروج از بحران کرونا بوده، دورانی که

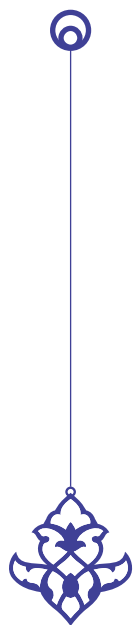
کشور و جهان را دچار رکود فزاینده کرده بود. همچنین در کنار این دلیل، کارشناسان منتقد «تولید و صادرات بیشتر نفت» را دلیل دیگر رشد معرفی می‌کنند و لذا نتیجه می‌گیرند که به آمار رشد میانگین حدود ۴ درصدی در سال‌های ابتدایی دولت شهید رئیسی نمی‌توان تکیه کرد. دو دلیل می‌توان در پاسخ به این مسئله ارائه داد: ۱. اگر رشد ناشی از خروج از بحران کرونا باشد، می‌بایست دفعی بوده و نباید ادامه پیدا می‌کرد، در حالی که رشد پس از سال ۱۴۰۰ پایدار بوده است. ۲. آمار رشد اقتصادی بدون نفت در این دوران موید روند رو به بهبود است. نرخ رشد اقتصادی بدون نفت در ۲۵ سال گذشته ۳.۶ درصد و در یک بازه‌ی بیست ساله (دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰) ۳.۵ درصد و در دهه ۱۳۹۰ (سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹) ۱.۲ درصد بود. این شاخص در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ به ۴ درصد رسید. بنابراین عملکرد و تجربه‌ی سه سال دولت آیت‌الله رئیسی موید این مهم است که اقتصاد ایران می‌تواند از چاله‌ی رکود تورمی خارج شود و رشد اقتصادی بسیار بالاتری را نسبت به سال‌های پیش از تحریم ثبت کند. اکنون می‌توان با اعتماد به نفس گفت که مسیر اقتصاد ایران در شرایط تحریمی نیز به بن‌بست نخواهد رسید.

♦ از میان جریان‌های اقتصادی جامعه ایران، ۱. اقتصاددانان نهادگرا، ۲. اقتصاددانان توسعه‌گرا، ۳. و حامیان اقتصاد دانش‌بنیان، گروه‌هایی هستند که رشد ۸ درصدی را ممکن می‌دانند؛ اما ۱. اتاق بازرگانی ۲. اقتصاددانان توسعه‌گرای متمایل به غرب، ۳. اقتصاددانان لیبرال، ۴. طرفداران ایده اقتصادی «اصلاحات پیش از رشد» ۵. جریان رسانه‌ای دنیای اقتصاد نحله‌هایی هستند که رشد ۸ درصد را دور از دسترس تصور می‌کنند.

♦ بخشی از ماجرای هدف‌گذاری رشد ۸ درصدی را نباید با دانش اقتصاد و از منظرگاه کارشناسان اقتصادی تحلیل کرد بلکه باید ماجرا مبتنی بر دانش سیاست و مدیریت تحلیل شود. باید در نظر داشت که به حرکت درآوردن دستگاه بروکراسی اجرایی که همواره و در همه جا میل به محافظه‌کاری و حفظ وضعیت موجود دارد، و درگیر رخوت و کندی

فزاینده است و از انجام کارهای بزرگ طفره می‌رود، یکی از کارهای مهم رهبران سیاسی است. بخشی از هدف‌گذاری‌های مدیریتی و اجرایی نظیر هدف‌گذاری رشد ۸ درصدی را باید از این رهگذر مورد توجه قرار داد. با توضیحی که ارائه شد، فراتر از پرداختن به این مسئله که رشد ۸ درصدی یک امر شدنی است یا خیر، باید مسئله را با نگاه رهبر معظم انقلاب از نو بازخوانی کرد. ایشان در میانه جنگ تمام عیار اقتصادی، هجمه تبلیغاتی دشمن علیه ملت ایران و سرخوردگی بخشی از جامعه، باید «آرمان» و «سرنوشت» بسازند و اهدافی واقع‌گرایانه ترسیم کنند. آرمان واقع‌گرایانه، موجب می‌شود که نیروهای اقتصاد ملی در تله تعادل و وضعیت موجود گرفتار نشوند و منطق منفعلانه برآمده از بخش‌های ناکارآمد بروکراسی را کنار بزنند و تغییر آرایش پیدا کنند. این تغییر آرایش، موجب می‌شود نیروهای اقتصادی به منظور تغییر موقعیت نامولد و ناصواب فعلی به «حرکت» و «کنش» دربیایند.







مقدمه

رشد ۸ درصدی اقتصاد یکی از اهداف کلان برنامه‌های توسعه اخیر در ایران بوده که در برنامه هفتم توسعه نیز تأکید شده است. همچنین رهبر معظم انقلاب نیز در دیدارهایی که با تصمیم‌گیران و فعالان اقتصادی داشته‌اند، توصیه صریح جهت اینجا زمینه‌ها و لوازم تحقق این امر نموده‌اند. با این حال، این هدف‌گذاری از سوی کارشناسان اقتصادی با نظرات مختلفی مواجه شده است. برخی این هدف‌گذاری را یک آرمان‌گرایی غیرواقع‌بینانه معرفی کرده‌اند، و برخی کارشناسان دیگر معتقدند با انجام اصلاحات ساختاری و استفاده بهینه از ظرفیت‌های داخلی، این رشد امکان‌پذیر خواهد بود.

مخالفان این هدف بر این باورند که عواملی مانند تحریم‌ها، بهره‌وری پایین، عدم جذب سرمایه‌گذاری خارجی و عدم ثبات سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، مانع از تحقق چنین رشدی خواهد شد. در مقابل، موافقان استدلال می‌کنند که با افزایش سرمایه‌گذاری داخلی، توسعه دیپلماسی اقتصادی و گسترش روابط با کشورهای در دسترس و به خصوص کشورهایی که به واسطه شرایط تقریباً مشابه با ایران حاضربه گسترش همکاری‌ها هستند (مانند روسیه و چین)، کاهش وابستگی به نفت، توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان و اصلاحات ساختاری، این هدف می‌تواند قابل دستیابی باشد. این گزارش تلاش دارد با بررسی ابعاد علمی و فنی موضوع، همراه با تحلیل‌های آماری، جریان‌شناسی دیدگاه‌های مختلف و مقایسه تطبیقی با کشورهای دیگر، نشان دهد که آیا رشد ۸ درصدی در شرایط فعلی اقتصاد ایران واقع‌بینانه است یا خیر.

بررسی استدلال‌های منتقدان هدف‌گذاری رشد ۸ درصدی

آراء و استدلال‌هایی که در انتقاد یا مخالفت با هدف‌گذاری رشد هشت درصدی برای برنامه توسعه کشور بیان شده، و این موضوع را غیرواقع‌گرایانه و یا حتی متوهمانه معرفی کرده، را می‌توان در مجموع در پنج گروه زیر دسته‌بندی کرد.

❖ فقدان تجربه تاریخی

بر اساس داده‌های موجود، ایران طی ۴۵ سال گذشته تنها در ۸ سال توانسته به رشد بالای ۸ درصد برسد. آخرین رشد بالای تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۵ (۲۰۱۶ میلادی) و در پی تصویب برجام اتفاق افتاد. میانگین رشد اقتصادی ایران طی دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که رسیدن به این رقم، نادر و وابسته به شرایط خاص بوده است.

بازه زمانی	میانگین رشد اقتصادی (%)
۱۳۹۳ تا ۱۴۰۲	۲.۷٪
۱۳۸۳ تا ۱۴۰۲	۲.۶٪
۱۳۵۷ تا ۱۴۰۲	۱.۸٪

میانگین رشد اقتصاد ایران در دوره‌های پس از انقلاب

استدلال می‌شود که رشد اقتصادی ۸ درصدی در ایران عمدتاً در زمان‌هایی که رفع تحریم‌ها، افزایش ناگهانی سرمایه‌گذاری یا جهش صادرات نفتی رخ داده، تحقق یافته است. به معنی دیگر، رشدهای اقتصادی در ایران دفعی و ناگهانی بوده و اقتصاد ایران رشد پایدار بالای ۳ درصد را در هیچ دوره‌ای تجربه نکرده است.

❖ فقدان سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه کافی

مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص است. در ایران، این شاخص طی دهه‌های اخیر روندی کاهشی و حتی منفی داشته است:

شاخص	میانگین رشد در ۱۰ سال گذشته	میانگین رشد در ۲۰ سال گذشته
رشد سرمایه گذاری ثابت ناخالص	منفی ۱.۶٪	منفی ۰.۳٪

میانگین رشد سرمایه گذاری ثابت ناخالص

گفته می شود در شرایطی که موجودی سرمایه ثابت کشور روند کاهشی دارد، انتظار رشد اقتصادی بالا غیرمنطقی است. بدون افزایش سرمایه گذاری داخلی و خارجی، ظرفیت تولید جدیدی شکل نمی گیرد و رشد اقتصادی محدود می شود. مواردی نظیر تحریم ها، بی ثباتی اقتصادی و سیاست های نامناسب سرمایه گذاری، باعث خروج سرمایه از کشور شده اند.

❖ تحریم ها و محدودیت تجارت

تحریم های اقتصادی باعث شده هزینه های تجارت و سرمایه گذاری در ایران افزایش یابد. برخی تأثیرات آن عبارت اند از:

❖ **محدودیت ارتباطات بانکی و مالی:** افزایش هزینه های مبادلات مالی و تجاری به دلیل نبود ارتباط بانکی بین المللی (FATF) و (SWIFT).

❖ **کاهش جذب سرمایه گذاری خارجی:** در ۱۰ سال گذشته، ایران تنها ۲۵ میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب کرده است. در حالی که برای تحقق رشد ۸ درصدی، حداقل ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری سالانه لازم است.

❖ **عدم دسترسی به فناوری های نوین:** تحریم ها باعث کاهش واردات فناوری های پیشرفته و مواد اولیه کلیدی شده اند و رشد صنعتی را محدود کرده است.

شاخص	وضعیت فعلی
صادرات غیرنفتی	رشد اندک و محدود به کشورهای همسایه
واردات فناوری	کاهش چشمگیر به دلیل تحریم ها
تجارت جهانی	ایران در لیست سیاه FATF؛ هزینه مبادلات بالا

وضعیت تجارت ایران متأثر از تحریم های اقتصادی

نتیجه این که استدلال این می‌شود که اقتصاد ایران بدون دسترسی آزاد به بازارهای جهانی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، نمی‌تواند رشد پایدار و بلندمدت داشته باشد.

❖ بیکاری و کاهش مصرف سرانه

در سال‌های اخیر اقتصاد ایران رفته رفته بسته‌تر و محدودتر شده و توان اشتغال‌زایی کافی ندارد و در نتیجه مصرف داخلی که موتور رشد است، کاهش یافته است.

رشد هزینه نهایی مصرف کننده در ۲۰ سال گذشته	رشد هزینه نهایی مصرف کننده در ۱۰ سال گذشته	جمعیت بیکاری یا خارج از محاسبه در نیروی کار
۲.۴%	۱.۵%	۷۱%

وضعیت مصرف و بیکاری در اقتصاد ایران

استدلال می‌شود که رشد اقتصادی نیازمند افزایش قدرت خرید و مصرف داخلی است، اما تورم بالا و کاهش دستمزد واقعی مردم، مصرف را محدود کرده است.

❖ بهره‌وری پایین و فقدان نوآوری

بهره‌وری و نوآوری از مهم‌ترین عوامل رشد اقتصادی پائیدار هستند. اما اقتصاد ایران در این زمینه با چالش‌های اساسی روبه‌رو است:

شاخص	وضعیت ایران
رشد بهره‌وری کل عوامل تولید	کمتر از ۱٪ در دهه گذشته
رتبه ایران در شاخص نوآوری جهانی (GII)	رتبه زیر ۷۰ (از بین ۱۳۰ کشور)
میزان سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه (R&D)	کمتر از ۰.۵٪ تولید ناخالص داخلی

وضعیت شاخص‌های بهره‌وری و نوآوری در اقتصاد ایران

کشورهای بارشد پایدار مانند چین و کره جنوبی، سهم بالایی از GDP خود را به تحقیق و توسعه اختصاص می‌دهند. اما اقتصاد دولتی و غیررقابتی ایران، انگیزه نوآوری و بهره‌وری را کاهش داده است.

چالش‌های جمع‌بندی

بر اساس استدلال‌های طرح شده که مورد اشاره قرار گرفت ادعای می‌شود که رشد ۸ درصدی در شرایط فعلی بیشتر یک شعار سیاسی است تا یک برنامه عملیاتی قابل تحقق. از نظر این استدلال کنندگان دستیابی به چنین رشدی، بدون تغییرات ساختاری عمیق، دور از دسترس خواهد بود. به شکل مشخص‌تر، مجموع استدلال‌ها در این باره را به شکل زیر می‌توان بیان نمود.

چالش‌ها	توضیحات
تحریم‌های اقتصادی	کاهش دسترسی به سرمایه‌گذاری خارجی و محدودیت صادرات، محدودیت حساب سرمایه، محدودیت در انتقال تکنولوژی
بهره‌وری پایین	رشد پایین در تولید و خدمات نسبت به کشورهای هم‌تراز
ناترازی انرژی	کمبود گاز و برق و عدم توان نیروگاه‌ها در تامین انرژی مورد نیاز صنایع جهت نیاز حال حاضر (چه رسد به میزان انرژی مورد نیاز جهت رشد ۸ درصدی)
کسری بودجه	عدم توان دولت در تأمین مالی پروژه‌های عمرانی، زیرساخت‌ها و تکنولوژی مورد نیاز
وابستگی به نفت	عدم شکل‌گیری اقتصاد صنعتی، تأثیرپذیری بالا از نوسانات ارزی، عدم اصلاح قیمت‌ها
فساد اقتصادی	کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، افزایش هزینه‌های مبادله
ناکارآمدی نظام بانکی	تخصیص نادرست منابع و بحران نقدینگی

مهم‌ترین نقدها و چالش‌ها به رشد ۸ درصدی

امکان سنجی رشد ۸ درصدی و پاسخ به منتقدان

واقعیت این است که در حال حاضر، اقتصاد ایران بر اساس آمار، تجربه و عقب‌ماندگی‌های ساختاری که دارد، با رشد ۸ درصدی فاصله دارد. اما پرسش و مسئله اساسی که باید مورد بحث قرار گیرد، این است که با فرض امتداد تحریم‌های اقتصادی (حداقل تا ده سال آتی)، امکان رشد اقتصادی تا چه اندازه امکان‌پذیر است؟ سوال دیگر که در این باره جای تامل دارد این است که طی دهه‌های اخیر، وزن تحریم‌ها در عدم تحقق رشد اقتصادی تا چه اندازه بوده و وزن اصلاحات اقتصادی و گسترش روابط اقتصادی با کشورهای غیر غربی چقدر است؟ و همچنین تجارب داخلی و خارجی چه دلالت‌هایی برای سرنوشت اقتصاد ایران دارند؟

موارد پیش رو با لحاظ سوالات بیان شده، تلاش دارد استدلال‌های کارشناسی را که به امکان تحقق رشد هشت درصدی باورمندند را مورد اشاره قرار دهد:

🔪 تجربه موفق رشد اقتصادی بالا در کشورهای در حال توسعه

برای درک امکان‌پذیری رشد ۸ درصدی در ایران، بررسی تجربیات دیگر کشورها می‌تواند بسیار راهگشا باشد. این مسئله را از دو زاویه می‌توان مورد بررسی قرار داد. یک وجه آن بررسی این سؤال است که «آیا برای کشورهای در حال توسعه اساساً رسیدن به میانگین رشد بالا ممکن است؟»؛ و وجه دیگر این است که «آیا در شرایط تحریم و ورود محدود سرمایه، رسیدن به رشد اقتصادی بالا ممکن است؟».

ابتدا در باره وجه نخست باید گفت که کشورهای در حال توسعه کشورهایی هستند که از حیث ساختاری، فساد، بروکراسی مؤلفه‌های حکمرانی خوب، و زمینه نهادی جهت جذب سرمایه‌گذاری، در سطح نامطلوبی قرار دارند. با این وجود، بررسی‌ها نشان می‌دهد بسیاری از کشورهای در حال توسعه توانسته‌اند در بازه‌های زمانی مشخص، رشد اقتصادی بالایی را تجربه کنند. این رشد عمدتاً با تمرکز بر اصلاحات اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، توسعه صنایع صادرات‌محور و بهبود بهره‌وری محقق شده است.

جدول زیر میانگین رشد اقتصادی این کشورها در دهه‌های اخیر را نشان می‌دهد:

کشور	عوامل کلیدی رشد	میانگین رشد اقتصادی
چین	سرمایه‌گذاری خارجی، اصلاحات اقتصادی، توسعه صنایع صادرات‌محور	۱۹۹۰-۲۰۱۰ (۱۰٪)
هند	توسعه فناوری، بازار آزاد، اصلاحات ساختاری	۲۰۰۰-۲۰۱۵ (۷٪)
ترکیه	خصوصی‌سازی، سیاست‌های ارزی، بهبود روابط بین‌المللی	۲۰۰۰-۲۰۱۰ (۶٪)
کره جنوبی	توسعه صنعتی، سرمایه‌گذاری در آموزش و فناوری	۱۹۸۰-۲۰۰۰ (۹٪)

دو عامل کلیدی در این کشورها، جذب سرمایه‌گذاری و بهبود محیط کسب‌وکار داخلی بوده است. برای مثال، چین در دهه ۱۹۹۰ سیاست‌های جذب سرمایه خارجی را توسعه داد و با تسهیل قوانین اقتصادی، به یکی از مراکز اصلی تولید جهان تبدیل شد. هند نیز با اجرای اصلاحات بازاری، توانست سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را افزایش دهد و رشد پایدار اقتصادی را تجربه کند.

🔪 تجربه موفق کشورهای تحت فشار تحریم (دارای شرایط مشابه با ایران)

بررسی تجربیات کشورهایی که تحت شرایط مشابه ایران، مانند تحریم‌های اقتصادی و روابط پرتنش با ایالات متحده، توانسته‌اند رشد اقتصادی قابل توجهی را تجربه کنند، جهت تحلیل امکان‌پذیری رشد ۸ درصدی در ایران می‌تواند مؤثر واقع شود. در این راستا، چهار کشور مورد بررسی قرار می‌گیرند.

★ روسیه

پس از الحاق کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴، این کشور با تحریم‌های گسترده‌ای از سوی ایالات متحده و اتحادیه اروپا مواجه شد. این تحریم‌ها بخش‌های

مختلفی از اقتصاد روسیه، از جمله انرژی، مالی و دفاعی را هدف قرار دادند. در نتیجه، اقتصاد روسیه در سال ۲۰۱۵ با رکود اقتصادی مواجه شد و تولید ناخالص داخلی این کشور حدود ۲.۸ درصد کاهش یافت. برای مقابله با تأثیرات منفی تحریم‌ها، روسیه اقداماتی را در پیش گرفت که شامل:

« **تنوع‌بخشی به اقتصاد:** کاهش وابستگی به صادرات نفت و گاز و توسعه بخش‌های کشاورزی و صنعتی.

« **جایگزینی واردات:** حمایت از تولید داخلی به منظور کاهش وابستگی به واردات کالاهای اساسی.

« **تقویت روابط با کشورهای غیر غربی:** گسترش همکاری‌های اقتصادی با کشورهایی مانند چین، هند و ایران.

با اجرای این سیاست‌ها، اقتصاد روسیه توانست به تدریج بهبود یابد. بر اساس گزارش‌های موجود، در سال ۲۰۱۷، رشد اقتصادی روسیه به ۱.۵ درصد رسید و در سال‌های بعد نیز این روند ادامه داشت. در سال ۲۰۲۱، رشد اقتصادی نزدیک به چهار درصد را ثبت نمود. جالب است که عل‌رغم تحریم‌های آمریکا که وضعیتی مشابه ایران را پدید آورد، روسیه توانست روند رشد اقتصادی خود را به شکل پایدار ادامه دهد. یک سال پیش، صندوق بین‌المللی پول اطمینان داشت که تولید ناخالص داخلی روسیه ۳.۴ درصد کاهش خواهد یافت. با این حال، در پایان ژانویه سال گذشته، صندوق بین‌المللی پول مجبور شد پیش‌بینی خود را به سمت رشد ۰.۳ درصد تغییر دهد. در ماه اکتبر، اقتصاددانان انتظار داشتند که اقتصاد روسیه ۲.۸ درصد رشد کند، اما یک شگفتی جدید رخ داد که حتی رئیس بانک مرکزی روسیه، الویرا نابیولینا، را شگفت زده کرد. در حال حاضر، تا پایان سال ۲۰۲۳، انتظار می‌رود اقتصاد روسیه بیش از ۳.۵ درصد رشد کند، که علت اصلی آن شتاب این شاخص در پایان سال گذشته میلادی بود.

بر اساس گزارش اداره آمار ملی روسیه، تولید ناخالص داخلی این کشور در

سه ماه اول سال ۲۰۲۴ نسبت به سه ماه نخست سال قبل ۵.۴ درصد رشد کرده است. اقتصاد روسیه در سال گذشته نه تنها فراتر از خوش بینانه ترین انتظارات رشد کرد، بلکه انعطاف پذیری و مقاومت بالایی در برابر چالش های خارجی نشان داد.

★ ویتنام در دهه ۹۰ میلادی

پس از جنگ ویتنام و تا سال ۱۹۹۴، این کشور تحت تحریم های اقتصادی ایالات متحده قرار داشت. این تحریم ها مانع از دسترسی ویتنام به بازارهای جهانی و سرمایه گذاری خارجی می شد. دولت ویتنام برای مقابله با تحریم ها و بهبود اقتصاد، اقدامات زیر را انجام داد:

«اصلاحات اقتصادی: در سال ۱۹۸۶، برنامه «نوسازی» را آغاز کرد که شامل اصلاحات بازار محور و تشویق به مالکیت خصوصی بود.

«تنوع بخشی به اقتصاد: توسعه بخش های کشاورزی، صنعتی و خدماتی به منظور کاهش وابستگی به یک بخش خاص.

«جذب سرمایه گذاری خارجی: ایجاد مناطق ویژه اقتصادی و ارائه مشوق هایی برای جذب سرمایه گذاران خارجی.

با اجرای این سیاست ها، ویتنام توانست به رشد اقتصادی قابل توجهی دست یابد. به عنوان مثال، در دهه ۱۹۹۰، میانگین رشد سالانه GDP این کشور حدود ۷.۵ درصد بود. پس از لغو تحریم ها در سال ۱۹۹۴، این رشد ادامه یافت و ویتنام به یکی از اقتصادهای در حال توسعه موفق در جنوب شرق آسیا تبدیل شد.

★ آفریقای جنوبی در دهه ۸۰ میلادی

در دهه ۱۹۸۰، به دلیل سیاست های آپارتاید، آفریقای جنوبی با تحریم های بین المللی گسترده ای مواجه شد. این تحریم ها شامل محدودیت های

تجاری، مالی و ورزشی بود که تأثیرات منفی بر اقتصاد این کشور داشت. دولت آفریقای جنوبی برای کاهش تأثیرات تحریم‌ها، سیاست‌هایی را به شرح زیر اتخاذ کرد:

« توسعه صنایع داخلی: سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعتی به منظور کاهش وابستگی به واردات.

« تنوع‌بخشی به صادرات: جستجوی بازارهای جدید برای محصولات خود در آسیا و آمریکای لاتین.

« اصلاحات اقتصادی: اجرای سیاست‌های اقتصادی برای جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی.

با وجود تحریم‌ها، آفریقای جنوبی توانست در دهه ۱۹۸۰ رشد اقتصادی مثبتی را حفظ کند. به عنوان مثال، در سال ۱۹۸۰، رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) این کشور حدود ۶.۶ درصد بود. هرچند در سال‌های بعدی به دلیل تشدید تحریم‌ها و ناآرامی‌های داخلی، این رشد کاهش یافت، اما پس از پایان آپارتاید و لغو تحریم‌ها، اقتصاد آفریقای جنوبی دوباره به مسیر رشد بازگشت.

* کوبا در دهه ۶۰ میلادی

کوبا از دهه ۱۹۶۰ میلادی تحت تحریم‌های اقتصادی، تجاری و مالی ایالات متحده قرار دارد. این تحریم‌ها تأثیرات منفی قابل توجهی بر اقتصاد کوبا داشته و منجر به کاهش دسترسی این کشور به بازارهای بین‌المللی و منابع مالی شده است.

برای مقابله با تحریم‌ها و کاهش تأثیرات منفی آن‌ها، کوبا اقداماتی را به شرح زیر انجام داده است:

« تنوع‌بخشی به اقتصاد: توسعه بخش‌های گردشگری، بهداشت و آموزش به منظور کاهش وابستگی به صادرات شکر.

« اصلاحات اقتصادی: اجرای اصلاحات در سیستم اقتصادی به منظور افزایش بهره‌وری و جذب سرمایه‌گذاری خارجی.

◀ **تقویت روابط با کشورهای همسو:** گسترش همکاری‌های اقتصادی با کشورهایی مانند روسیه، چین و ونزوئلا.

با وجود تحریم‌ها، کوبا توانسته است در برخی دوره‌ها رشد اقتصادی مثبتی را تجربه کند. به عنوان مثال، در دهه ۱۹۷۰ میلادی، با حمایت اتحاد جماهیر شوروی، کوبا رشد اقتصادی قابل‌توجهی داشت. با این حال، پس از فروپاشی شوروی در اوایل دهه ۱۹۹۰، اقتصاد کوبا با رکود مواجه شد و تولید ناخالص داخلی این کشور کاهش یافت.

۴ تجربه موفق دولت سیزدهم

یکی از موضوعاتی که در نقد رشد ۸ درصدی طرح می‌شود و ارجاع زیادی پیدا کرده است، عدم تحقق رشد اقتصادی در شرایط تحریم اقتصادی است. این استدلال بر اساس تجربه دهه ۹۰ طرح می‌شود که طی آن اقتصاد ایران با میانگین رشد نزدیک به «صفر» این دهه را به پایان رسانید. تجربه دولت سیزدهم که وضعیتی مشابه با وضعیت دولت یازدهم و دوازدهم در دهه ۹۰ که کشور در شرایط تحریم قرار داشت، می‌تواند گواهی بر امکان اداره اقتصادی و بهبود شاخص‌های اقتصادی در شرایط تحریم باشد. در دهه‌ی ۱۳۹۰ (سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹) نرخ رشد اقتصاد ایران ۰.۳ درصد بوده است. در نقطه دیگر با تغییر وضعیت سیاسی کشور در ابتدای قرن جدید، اقتصاد ایران توانست در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲، متوسط نرخ رشد اقتصادی ۴.۵ درصد را به دست آورد که بسیار فراتر از متوسط دهه‌ی ۱۳۹۰ و همچنین متوسط بیست ساله و بیست و پنج ساله‌ی کشور است. این رشد در مجموع از طریق افزایش تولید داخلی، توسعه تجارت منطقه‌ای و اصلاح سیاست‌های مالی و پولی حاصل شده است.

بر اساس داده‌های بانک مرکزی در طول یک دوره‌ی ۲۵ ساله (سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۹) متوسط رشد اقتصاد ایران ۲.۷ درصد بوده است. اگر بازه‌ی بیست ساله -یعنی دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰- را ملاک قرار دهیم، متوسط رشد اقتصاد ایران نیز عددی مشابه ۲.۷ درصد بوده است. در دهه‌ی ۱۳۹۰

(سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹) نرخ رشد اقتصاد ایران ۰.۵ درصد بوده است. با این عملکرد، اقتصاد ایران توانسته در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲، متوسط نرخ رشد اقتصادی ۴.۵ درصد را به دست آورد که بسیار فراتر از متوسط دهه‌ی ۱۳۹۰ و همچنین متوسط بیست ساله و بیست و پنج ساله‌ی کشور است. این رشد در مجموع از طریق افزایش تولید داخلی، توسعه تجارت منطقه‌ای و اصلاح سیاست‌های مالی و پولی حاصل شده است.

تجربه اداره اقتصاد و بهبود شاخص‌های اقتصادی توسط دولت سیزدهم و در شرایط تحریم، تا آنجا موفقیت آمیز بوده که سعید لیلاز، چهره سرشناس اقتصادی جریان اصلاح طلب در رابطه با عملکرد اقتصادی دولت سیزدهم دو نقل قول پر بسامد داشته است. ایشان در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳ و به نمایندگی از مسعود پزشکیان در مناظره با سید نظام الدین موسوی بیان می‌کند: «من معتقدم دولت مرحوم رئیسی مجموعاً اقتصاد ایران را از گل درآورد». همچنین ایشان برنامه دیگری بیان کرد: «در حوزه اقتصاد دولت آقای رئیسی فراتر از آن چیزی بود که تصور می‌شد. در حال حاضر، هیچ شاخص اقتصادی وجود ندارد که وضعیتش بهتر از سال ۱۴۰۰ نباشد.»^۱

★ پاسخ به یک شبهه

بعضی استدلال می‌کنند که رشد در سال ۱۴۰۰ به واسطه خروج از بحران بحران کرونا و بیشتر ناشی از تولید و صادرات بیشتر نفت بود. دو دلیل می‌توان در پاسخ به این مسئله ارائه داد. نخست این که اگر رشد ناشی از خروج از بحران کرونا باشد، می‌بایست دفعی باشد و نباید ادامه پیدا کند. در حالی که رشد پس از سال ۱۴۰۰ پایدار بوده و این نشان می‌دهد خروج از بحران کرونا نمی‌تواند دلیل اصلی باشد.

از سوی دیگر، آمار رشد اقتصادی بدون نفت نیز مؤید همین روند رو به بهبود است. نرخ رشد اقتصادی بدون نفت در ۲۵ سال گذشته ۳.۶ درصد و در یک بازه‌ی بیست ساله (دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰) ۳.۵ درصد و در دهه ۱۳۹۰ (سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹) ۱.۲ درصد بود. این شاخص در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲

به ۴ درصد رسید. بنابراین عملکرد و تجربه‌ی سه سال گذشته به آن تردید خاتمه داد و مشخص شد که اقتصاد ایران می‌تواند از چالهی رکود تورمی خارج شود و رشد اقتصادی بسیار بالاتری را نسبت به سال‌های پیش از تحریم ثبت کند. اکنون می‌توان با اعتماد به نفس گفت که مسیر اقتصاد ایران در شرایط تحریمی نیز به بن‌بست نخواهد رسید.

۴ آزادسازی ظرفیت‌ها و امکان‌های مغفول اقتصاد ایران

به عقیده بسیاری از کارشناسان و اقتصاددانان، ظرفیت اقتصاد ایران از حیث منابع طبیعی، توان نهادی، و کارکرد ساختاری در حد بیشینه و مطلوب خود قرار ندارد. به معنای دیگر، اقتصاد ایران با سقف خود راه زیادی دارد هنوز توان و ظرفیت اصلی آن آزاد نشده است. در ادامه به بخشی از آن‌ها مورد اشاره قرار گرفته است.

★ بخش‌های دست‌نخورده و مستعد رشد اقتصاد ایران

اقتصاد ایران دارای ظرفیت‌های بالقوه بسیاری است که تاکنون به‌طور کامل مورد بهره‌برداری قرار نگرفته‌اند. این ظرفیت‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی وجود دارند و می‌توانند با برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری مناسب، به موتورهای رشد اقتصادی تبدیل شوند.

◀ **بخش معدن:** ایران با داشتن ۷ درصد از ذخایر معدنی جهان، از جمله منابع عظیم زیرزمینی، ظرفیت بالایی در توسعه صنایع معدنی دارد. اهمیت این بخش در رشد اقتصادی و توسعه تاحدی است که در سال‌های اخیر به شدت مورد توجه رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است: «[در بخش معدن] آنچه به من گزارش شده [این است که] ما حداکثر پانزده درصد از ظرفیت معدنی کشور را داریم استحصال میکنیم؛ پانزده درصد! ما معدن را باید جایگزین نفت کنیم؛ یعنی واقعاً بایستی ما بتوانیم... ما باید کاری بکنیم که هر وقت اراده کردیم، بتوانیم سرچاه‌های نفت خودمان را ببندیم»^۱.

۱. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت؛ ۱۳۹۴/۰۶/۰۴

بخش معدن از دو مسئله اصلی رنج می‌برد. نخست این که بسیاری از بخش‌های آن دست‌نخورده باقی مانده است، و دوم این که بدون ارزش‌افزوده خاص استخراج برای کشور صادر می‌شود. براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، ضعف در اکتشافات معدنی یکی از چالش‌های اصلی این بخش است. این امر منجر به ناشناخته ماندن بسیاری از ذخایر معدنی و در نتیجه عدم بهره‌برداری از آن‌ها شده است. بسیاری از معادن کوچک و متوسط به دلیل مشکلات مالی، فنی و مدیریتی به صورت کامل بهره‌برداری نمی‌شوند که این موضوع به هدررفت منابع معدنی منجر شده است. این موضوع نشان‌دهنده این است که بخش معدن ظرفیت بسیار بالایی دارد که هنوز مورد استفاده قرار نگرفته است.

با توجه به سهم حدود ۱۶ درصدی بخش صنعت و معدن از تولید ناخالص داخلی و ۳۳ درصدی از اشتغال کشور، تمرکز بر توسعه این بخش می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی داشته باشد.

◀ توسعه اقتصاد دریامحور: یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های بکر جهت

حرکت به سوی رشد ۸ درصدی، اقتصاد دریامحور است. در حال حاضر، سهم اقتصاد دریامحور در تولید ناخالص داخلی ایران حدود ۱ درصد است. با این حال، برنامه‌ریزی‌ها بر آن است که این سهم تا سال‌های آتی به ۸ درصد افزایش یابد. این افزایش می‌تواند از طریق توسعه تجارت دریایی، بهره‌برداری بهینه از بنادر و سواحل، و گسترش صنایع مرتبط با دریا محقق شود. بسیاری از تحلیل‌گران و اقتصاددانان ارشد، بر اهمیت توسعه اقتصاد دریامحور تأکید کرده و اظهار داشته است که با رشد تجارت و استفاده از ظرفیت‌های مناطق آزاد تجاری در کشورهای همسایه مانند قطر، امارات، عمان، آذربایجان، ترکیه، ارمنستان و حتی روسیه، می‌توان سهم اقتصاد دریامحور را از ۱ درصد به ۸ درصد رساند. با توجه به اینکه ایران دارای بیش از ۵۸۰۰ کیلومتر خط ساحلی است، بهره‌برداری مؤثر از این پتانسیل و به خصوص سواحل «مکران» که همواره مورد تأکید رهبر انقلاب بوده است، می‌تواند به عنوان یکی از راهکارهای اساسی در تحقق رشد اقتصادی ۸ درصدی مورد توجه قرار گیرد.

« **انرژی‌های تجدیدپذیر:** یکی دیگر از ظرفیت‌های مستعد و دست‌نخورده در اقتصاد ایران که رانه مهمی برای رشد اقتصادی و صنعتی محسوب می‌شود، توسعه انرژی‌های تجدید پذیر است. استفاده از انرژی‌های خورشیدی، بادی و ... علاوه بر تأثیر بر کیفیت محیط زیست و منابع، می‌تواند نقش به سزایی در حل مسئله ناترازی انرژی (به خصوص برای صنایع) ایجاد کند. مسئله‌ای که در برنامه هفتم توسعه هم به آن اشاره شده و قرار گرفتن کشور در مسیر سرمایه‌گذاری برای آن، مسیر نو برای اقتصاد انرژی در ایران خواهد بود.

کشورهایی مانند چین که رشد بالایی را تجربه کردند، با این که نیازشان به نفت و گاز چند برابر ایران است، اما اهتمام ویژه‌ای در توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر داشته است.

« **کشاورزی:** ایران با دارا بودن ۳۸ میلیون هکتار اراضی قابل کشت، تنها از ۱۵ میلیون هکتار آن بهره‌برداری می‌کند. بهره‌وری کشاورزی در ایران حدود یک‌دهم کشورهای پیشرفته است. کارشناسان اذعان داشته‌اند که با به‌کارگیری ظرفیت‌های خالی در این بخش، ایران می‌تواند غذای باکیفیت برای حداقل ۵۰۰ میلیون نفر تولید کند.

« **بخش گردشگری:** ایران با دارا بودن جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی و طبیعی متنوع، ظرفیت بالایی در جذب گردشگر دارد که از تمام ظرفیت آن استفاده نشده است. توسعه زیرساخت‌های گردشگری و تبلیغات مؤثر می‌تواند این بخش را به یکی از موتورهای رشد اقتصادی تبدیل کند. با برنامه‌ریزی استراتژیک و سرمایه‌گذاری هدفمند در این بخش‌ها، می‌توان از ظرفیت‌های استفاده‌نشده اقتصاد ایران بهره‌برداری کرده و به رشد اقتصادی پایدار دست یافت.

« **نوسازی بخش صنعت و تولید:** بخش تولید و استخراج مواد معدنی ۱۳ درصد از تولید کل را تشکیل می‌دهد. این بخش به دلیل استهلاک ابزار، تکنولوژی، و سرمایه، نرخ بهره‌وری پایینی در سال‌های اخیر داشته است. نوسازی صنایع و افزایش بهره‌وری از طریق کشورهایی که حاضر به

همکاری با ایران هستند، امکان تازه‌ای را در افزایش رشد اقتصادی ایجاد می‌کند.

★ به کارگیری ظرفیت مردم و بخش خصوصی در تولید

یکی از ضعف‌های بزرگ ساختاری و نهادی اقتصاد ایران، بسته بودن و بهره‌وری پایین آن است که به واسطه «سلطه دولت» بر فرایندها و امکانات تولیدی و صنعتی رقم خورده است. علی‌رغم این که رهبر معظم انقلاب مکرر در این باره تذکر داده‌اند، اما اصلاح این فرایند بعضاً بسیار کند و فسادزا پیش می‌رود. نمایشگاهی که امسال از دستاوردهای فناوری و تولیدی بخش خصوصی در حسینیه امام خمینی (ره) برگزار شد، و بیان دغدغه و درخواست‌های تولیدکنندگان که به جای بهانه قرار دادن تحریم‌ها، درخواست اعتماد و میدان دادن حاکمیت به آن‌ها را داشتند، و همچنین اعتراف‌هایی که مسئولان دولتی به توانمندی این بخش داشتند، و از همه مهم‌تر شوق و انگیزه این بنگاه‌های مردمی و فناوری در اداره اقتصاد ایران، همگی نشان دهنده این اصل است که هنوز پتانسیل اصلی اقتصاد ایران آزاد نشده است. موضوعی که در بخش قبل، به شکل تفصیلی به آن پرداخته شد.

★ فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی و گسترش روابط منطقه‌ای

اغلب اساتید غربی و کارشناسان روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بر این باور هستند که اقتصاد دنیا از وضعیت «تک قطبی» به وضعیت «چند قطبی» در حال تغییر است. به معنای دیگر، اقتصاد یکپارچه جهانی در حال غروب است و زنجیره ارزش‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای در لحظه طلوع قرار دارند. این موقعیتی است که بعضاً به واسطه جنگ روسیه - اوکراین، جنگ پنهان تجاری چین و آمریکا، جنگ کریدوری در منطقه غرب آسیا و ظهور قدرت‌های نوظهور، ایجاد شده است.

از سوی دیگر، تحریم‌های اقتصادی علی‌رغم آفت‌ها و زیان‌هایی که داشته است، اما فرصت‌هایی را نیز خلق کرده است. درواقع، موقعیتی جهت

همکاری‌های راهبردی و استراتژیک برای کشورهای تحت تحریم و ذیل جنگ با غرب، نظیر ایران، روسیه، و چین، ایجاد شده است که به نظر می‌رسد هنوز از ظرفیت چنین فرصتی به خوبی استفاده نشده است. هرچند دولت سیزدهم آغاز یا نهادن در این مسیر دشوار بود، اما سرنوشت این مسیر به نوع سیاست‌گذاری و تصمیم‌های نظام تصمیم‌گیری بستگی دارد. سه امکان مهم و برآمده از تجربه و ظرفیت‌های خالی، جهت تأثیر بر رشد اقتصادی کشور از قرار زیر است:

◀ هاب انرژی در منطقه غرب آسیا و آسیای میانه

◀ ایجاد زنجیره ارزش منطقه‌ای

◀ پیمان‌های پولی

۴ منطق مدیریتی و سیاسی رشد ۸ درصدی برای بازآرایی اقتصاد ایران

فیلسوفان و اندیشمندان سیاست و امر سیاسی، میان رهبری سیاسی و اظهارات کارشناسی فاصله‌ای قائل هستند. کارشناسان کسانی هستند که تعادل امور، امکانات، ظرفیت‌ها و توانمندی را «آن‌گونه که هستند» نظاره می‌کنند، اما رهبران سیاسی «آن‌گونه که باید باشد» تصویر می‌کنند. البته، این به آن معنا نیست که رهبران سیاسی اشخاصی غیرواقع‌گرا هستند؛ بلکه بدان معنا است که، رهبران سیاسی در عین اندیشه واقع‌گرایانه، به ستیز با آینده و ساخت سرنوشت یک ملت می‌روند. لذا رهبری سیاسی از یک سو به اظهارات کارشناسی و عقلایی توجه دارد، و از سوی دیگر در پی افق‌گشایی و شکل دادن «آرایش اقتصاد سیاسی» یک ملت در مواجهه با پستی و بلندی‌ها است. اما این گزاره، چیزی غیر از «نگاه غیرواقعی» و یا «اندیشه متوهمانه» است و در علم سیاست و اندیشه سیاسی، بحث مفصلی پیرامون آن وجود داشته است. از این منظر، طبیعی است که بعضاً «موقعیت کارشناس» متعجب از هدف‌گذاری به نام «رشد ۸ درصدی» باشد و آن را امری دور از انتظار بداند.

هرچند که البته بسیاری از کاشناسان و اساتید اقتصاد، رشد ۸ درصدی را امری معقول و شدنی می‌دانند و اینجا سعی بر توضیح تمایز میان نگاه یک رهبر سیاسی و موقعیت کارشناس است. در این میان باید توجه داشت که وضعیت بروکراسی کشور نیز در تصمیم رهبران سیاسی موثر است. به حرکت درآوردن دستگاه بروکراسی اجرایی که میل به محافظه کاری، حفظ وضعیت موجود دارند و درگیر رخوت و کندی فزاینده هستند و از انجام کارهای بزرگ تفره می‌روند یکی از کارهای مهم رهبران سیاسی است. بخشی از هدف‌گذاری‌های مدیریتی و اجرایی نظیر هدف‌گذاری رشد ۸ درصدی را باید از این رهگذر مورد توجه قرار داد. بخشی از ماجرا اقتصادی نیست بلکه مربوط به کارویژه‌های رهبری سیاسی و مدیریتی می‌شود.

با توضیحی که ارائه شد، فراتر از پرداختن به این مسئله که رشد ۸ درصدی یک امر شدنی است یا خیر، باید مسئله را با نگاه رهبر انقلاب از نو بازخوانی کرد. ایشان در میانه جنگ تمام عیار اقتصادی، هجمه تبلیغاتی دشمن علیه ملت ایران و سرخوردگی بخشی از جامعه، باید «آرمان» و «سرنوشت» بسازند و اهدافی واقع‌گرایانه ترسیم کنند. آرمان واقع‌گرایانه، موجب می‌شود که نیروهای اقتصاد ملی در تله تعادل و وضعیت موجود گرفتار نشوند و تغییر آرایش پیدا کنند. پیامد این تغییر آرایش، در نهایت منجر به این می‌شود که نیروهای اقتصادی به منظور تغییر موقعیت نامولد و ناصواب فعلی به «حرکت» و «کنش» در بیایند.

و در نهایت باید پرسید که اگر وضعیت اقتصادی فعلی علیه تولید، بهره‌وری، و رشد است، چه چیزی جز تغییر آرایش نیروهای اقتصادی می‌تواند تعادل نامولد را به نفع مردم و آینده جابجا کند؟ و چه چیزی جز ترسیم آرمان‌های واقع‌گرایانه می‌تواند به نیروهای اقتصادی امید و انگیزه دهد؟

جریان شناسی منتقدان و همراهان با رشد ۸ درصدی

با بررسی آراء و نظرات کارشناسی، مشخص است که تنها رسانه‌های معاند و ضدانقلاب هدف رشد ۸ درصدی را امری متوهمانه می‌دانند. اما با بررسی نظرات کارشناسان و اقتصاددانانی که این مسئله را مورد بررسی و نظر قرار داده‌اند، مشخص می‌شود که هیچ جریانی تحقق رشد ۸ درصدی را غیرممکن نمی‌داند، بلکه هر جریان، با بررسی الزامات و توان کشور برای تحقق آن، چنین هدفی را نزدیک یا دور می‌داند. بر همین اساس، در ادامه نظرات منتقدان و همراهان با هدف رشد ۸ درصدی بیان شده است.

۴ اشخاص سیاسی و علمی همراه با هدف گذاری رشد ۸ درصدی

این جریان‌ها معتقدند که رشد ۸ درصدی علاوه بر این که امری شدنی است، برای توسعه اقتصادی ایران ضروری است. آن‌ها دلایل خود را عمدتاً بر پتانسیل‌های داخلی، سیاست‌های کلان، ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری و بهره‌وری، و تکیه بر توسعه روابط خارجی راهبردی بنا می‌کنند. از جمله اشخاص سیاسی و علمی که درباره امکان رشد ۸ درصدی طی برنامه هفتم اظهار نظر داشته و موافق بوده‌اند، می‌توان به اشخاص زیر اشاره کرد.

اشخاص	سمت	استدلال
۱ سید احسان خاندوزی	وزیر اقتصاد دولت سیزدهم و نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس یازدهم، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی (ره)	در دو سال گذشته (۱۴۰۰-۱۴۰۲)، رشد اقتصادی ایران حدود ۴ درصد بوده و در صورت اصلاحات پولی و مالی، این رشد می‌تواند به ۸ درصد برسد.
۲ محمد رضا فرزین	رئیس بانک مرکزی در دولت سیزدهم و چهاردهم (استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی (ره))	با کنترل نقدینگی و سیاست‌های جدید ارزی مسیر تحقق رشد ۸ درصدی هموار می‌شود.
۳ علیرضا پیمان پاک	رئیس سابق سازمان توسعه و تجارت	افزایش صادرات غیرنفتی به عنوان عامل کلیدی رشد اقتصادی.

۴	محمد باقر نوبخت	رئیس سازمان برنامه و بودجه در دولت یازدهم و دوازدهم	با بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی امکان رشد ۸ درصدی را فراهم می‌شود.
۵	سعید جلیلی	نماینده رهبر انقلاب در شورای عالی امنیت ملی	با کاهش وابستگی به دلار و توسعه تجارت با کشورهای غیر غربی.
۶	مسعود میرکاظمی	رئیس اسبق سازمان برنامه و بودجه	امکان زیادی در افزایش بهره‌وری و حمایت از تولید وجود دارد.
۷	محمد مخبر	معاون اول دولت سیزدهم	با افزایش سرمایه‌گذاری داخلی، توسعه روابط اقتصادی با شرق و رشد صادرات غیرنفتی به عنوان ابزارهای تحقق رشد اقتصادی، می‌توان این هدف را محقق کرد.
۸	داوود منظور	رئیس سابق سازمان امور مالیاتی و رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه، استاد اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)	با اصلاح ساختار اقتصادی از طریق دانش‌بنیان‌های توان جهش اقتصادی را رقم زد.
۹	فرهاد رهبر	استاد اقتصاد دانشگاه تهران	سیاست‌های کنترل تورم، بهبود فضای کسب و کار و افزایش بهره‌وری برای اقتصاد ایران ممکن هستند و در صورت تحقق، می‌توانند اقتصاد ایران را در مسیر رشد ۸ درصدی قرار دهند.
۱۰	سید حسین میرجلیلی	استاد اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	تجربه رشد در دیگر کشورهای در حال توسعه و مقایسه وضعیت آن کشورها با ایران، نشان دهنده ممکن بودن رشد ۸ درصدی در اقتصاد ایران است.

مرکز مطالعات راهبردی تسنیم [۲۵]

۱۱	علی آقامحمدی	عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام	با سرمایه‌گذاری در صنایع راهبردی، بهبود نظام مالیاتی و حمایت از تولید داخلی، رشد ۸ درصدی امکان پذیر است.
۱۲	سورنا ستاری	معاون علمی رئیس جمهور در دولت یازدهم و دوازدهم	با توسعه اقتصاد دیجیتال، استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش بنیان می‌توان شاهد رشد بهره‌وری و رشد اقتصادی بود.

بعضی از اشخاص سیاسی و علمی همراه با رشد اقتصادی ۸ درصدی

۴ اشخاص سیاسی و علمی که هدف‌گذاری رشد ۸ درصدی را در شرایط حاضر دور از دسترس می‌دانند

از نظر این جریان‌ها، رشد ۸ درصدی در شرایط حاضر دست نیافتنی است.
استدلال‌های ایشان معمولاً بر محدودیت‌های ساختاری، وضعیت اقتصادی،
تحریم‌ها و سابقه رشد اقتصادی ایران متمرکز است.

اشخاص	سمت	استدلال
۱ مسعود نیلی	مشاور ارشد اقتصادی دولت یازدهم و استاد اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف	بدون پیوستن به زنجیره اقتصاد جهانی، سرمایه‌گذاری گسترده در زیرساخت‌ها و اصلاح ساختارهای مالی، تحقق رشد ۸ درصدی تنها روی کاغذ امکان پذیر است.
۲ عباس عبدی	چهره سرشناس جریان اصلاح طلب	وضع سیاسی موجود در داخل و خارج در وضعیت ناپایدار و بی‌ثباتی قرار دارد و نیز بی‌ثباتی سیاست‌ها و ناکارآمدی مدیریت‌ها و فساد در بخش دولتی و نظارتی و نپذیرفتن چارچوب‌های متعارف بین‌المللی مثل FATF و پالرمو و... این امکان را فراهم نمی‌کند که رشد پایدار ۸ درصدی ایجاد شود.

۳	محمد طبیعیان	اقتصاددان و مدیر سابق مرکز تحقیقات اقتصادی	تحریم‌ها و بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصادی را مانع سرمایه‌گذاری و رشد پایدار اقتصادی می‌داند.
۴	تیمور رحمانی	استاد اقتصاد دانشگاه تهران	بر این باور است که رشد اقتصادی نیاز به ثبات سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی دارد که ایران در حال حاضر فاقد آن است.
۵	فرشاد مومنی	استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی	رشد ۸ درصدی را یک توهم سیاسی می‌داند و معتقد است که با وجود بهره‌وری پایین و کاهش سرمایه‌گذاری، این هدف دست‌نیافتنی است.
۶	محمود نجفی عرب	رئیس اتاق تهران	رشد ۸ درصدی بر اساس تجربه رشد در اقتصاد ایران و عدم توان کافی در اصلاح ساختارها بعید به نظر می‌رسد.
۷	حسین راغفر	استاد اقتصاد دانشگاه الزهرا	در شرایطی که نظام بانکی کشور با بحران نقدینگی مواجه است و بخش تولیدی توان رقابت با کالاهای وارداتی را ندارد، صحبت از رشد ۸ درصدی بدون برنامه عملیاتی، غیرواقع‌بینانه به نظر می‌رسد.
۸	علینقی مشایخی	استاد اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف	در حال حاضر اصلاح ساختارها در اقتصاد ایران بسیار دشوار و بعید به نظر می‌رسد.

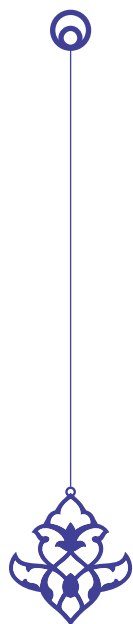
بعضی از اشخاص سیاسی و علمی منتقد رشد اقتصادی ۸ درصدی

❧ نهادها و سازمان‌های پژوهشی-اقتصادی همراه و منتقد

هرچند بررسی جریان‌های اقتصادی و سازمان‌ها مستلزم بررسی دیدگاه اشخاص متعلق به آن سازمان یا جریان است و همین امر موجب می‌شود که اتفاق نظر بر یک موضوع خاص ممکن نباشد، اما می‌توان بر اساس یک جهت کلی و با اغماض، دیدگاه جریان‌ها و سازمان‌ها استخراج نمود.

جریان‌ها	دیدگاه درباره رشد ۸ درصدی	استدلال‌ها
اقتصاددانان نهادگرا	ممکن و ضروری	مسئله اقتصاد ایران بیش از این که وابسته به تحریم‌ها باشد، مسئله ساختاری است. اصلاحات نهادی امری ضروری است و با در صورت انجام آن، وضعیت اقتصاد ایران تغییر می‌کند.
اقتصاددانان توسعه‌گرا	ممکن	حمایت از تولید داخلی و کاهش وابستگی به نفت، موتور رشد اقتصادی است.
حامیان اقتصاد دانش بنیان	ممکن	اقتصاد ایران پتانسیل زیادی در اقتصاد دانش بنیان و فناوری دارد که هنوز فعال نشده است. رشد ۸ درصدی با بهره‌وری و نوآوری در اقتصاد دیجیتال شدنی است.
اتاق بازرگانی	دور از دسترس	بدون رفع تحریم، پیوستن به FATF و رفع محدودیت‌های سرمایه‌گذاری، رشد ۸ درصدی ممکن نیست
اقتصاددانان توسعه‌گرای متمایل به غرب	دور از دسترس	تحریم، ساختارهای ناکارآمد و فساد، مانع تحقق رشد هستند.
اقتصاددانان لیبرال	دور از دسترس	مداخله دولت در اقتصاد، فقدان سرمایه‌گذاری خارجی و عدم حضور در اقتصاد جهانی، مانع از رشد اقتصادی می‌شود.
طرفداران ایده اقتصادی «اصلاحات پیش از رشد»	دور از دسترس	رشد پایدار بدون اصلاحات اساسی و افزایش سرمایه‌گذاری خارجی غیرقابل دستیابی است.
جریان رسانه‌ای دنیای اقتصادی	دور از دسترس	مداخله دولت در اقتصاد، رانت و فساد گسترده در مجموعه حاکمیت، فقدان سرمایه‌گذاری خارجی و عدم حضور در اقتصاد جهانی، مانع از رشد اقتصادی می‌شود.

بررسی دیدگاه جریان‌ها و نهادها درباره رشد اقتصادی ۸ درصدی





جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی

تحقق رشد ۸ درصدی برنامه هفتم توسعه، امری غیرممکن نیست، اما مسیری دشوار است. اقتصاد ایران همواره با دو مسئله اساسی مواجه است. از یک سو بیش از یک دهه است که در جنگ اقتصادی تحمیلی قرار دارد و پیش‌بینی می‌شود تحریم‌ها حداقل تا یک دهه آینده به اشکال مختلف ادامه خواهند داشت. به همین جهت کاهش ذخایر ارزی، کسری بودجه، ناترازی انرژی، عدم دسترسی به بازار جهانی، عدم تأمین ماشین‌آلات و تکنولوژی، سطح تولید ایران را کاهش داده و سیاست‌گذار را در تنگنای سیاستی قرار داده است. منتقدان نیز از این جهت است که هدف‌گذاری رشد ۸ درصدی را دور از انتظار می‌دانند. از سوی دیگر، تکیه دولت‌ها و اقتصاد بر درآمد نفتی، موجب تورم جریان‌های نامولد، غیر بهینه و ساختار اقتصادی با بهره‌وری پایین شده است؛ و امید به درآمد نفتی، اصلاح ساختارهای اقتصادی را به تعویق انداخته است. اما با این حال، تجربه دولت سیزدهم نشان می‌دهد اقتصاد ایران ظرفیت‌های بسیاری دارد که با تغییرات و مدیریت مناسب، می‌تواند آماده جهش‌های بزرگ باشد. از این منظر، هدف‌گذاری رشد ۸ درصدی یک رانه اثرگذار برای اصلاحات و تحولات ساختاری و نهادی اقتصاد ایران محسوب می‌شود که آرایش نیروهای اقتصادی و جهت ساختار را متناسب با اصلاحات ضروری و جنگ اقتصادی تغییر خواهد دهد. لذا هدف‌گذاری رشد ۸ درصدی هرچند که ممکن است کاملاً محقق نشود، اما از این جهت که شکل و جهت اقتصاد ایران را تحت تأثیر

قرار می‌دهد و از موضعیت انفعال خارج می‌کند، اهمیت بالایی دارد. اما با این وجود، تحقق رشد هشت درصدی امری غیرممکن نخواهد بود و همبستگی بالایی با متغیرهایی چون برنامه‌ریزی دقیق، اجرای اصلاحات ساختاری و بهره‌گیری از ظرفیت‌های مغفول است.

✦ ظرفیت‌های داخلی تحقق رشد ۸ درصدی

اقتصاد ایران از حیث ساختاری در نظام مسائل کشور، مسائلی دارد که اکثراً مربوط به روندها و سیاست‌های داخلی است که هنوز اصلاح نشده و یا سیاستی جهت بهره‌مندی از این ظرفیت‌ها اتخاذ نشده است. در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره شده است.

✦ اصلاح نظام پولی و سیاست هدایت اعتبار

سیاست پولی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های جهش تولید و رشد اقتصادی است. در واقع بدون توجه به امر «پول»، برنامه‌ریزی برای هیچ یک از اهداف اقتصادی ممکن نخواهد بود. لذا اصلاح نظام پولی و جهت‌گیری سیاست‌های اعتباری نقش بسزایی در دستیابی به رشد اقتصادی ۸ درصدی در ایران ایفا می‌کند. چراکه با بهبود تخصیص منابع مالی و افزایش کارایی سیستم بانکی، زمینه‌ساز توسعه فعالیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری‌های مولد خواهند بود. جهت‌مند شدن اعتبارات پولی، می‌تواند همزمان اهداف رشد، عدالت و تولید را پیش برد. از سمت دیگر از آن جهت که مسئله اصلی اقتصاد ایران بشتر از سمت عرضه است و کمتر از سمت تقاضا، لذا مسائلی چون اهداف تورم و کاهش تورم نیز به واسطه رشد سمت تولید دست‌یافتنی خواهد بود.

به علاوه، یکی از مهم‌ترین موانع رشد اقتصادی در ایران، سلطه بخش نامولد در اقتصاد ایران است به دلیل عدم سیاست‌گذاری عادلانه و جهت‌مند پول، تزریق منابع مورد نیاز بخش مولد و تولیدی صورت نمی‌گیرد. با اجرای سیاست‌های مالیاتی، بازی بانرخ بهره و مشوق‌های صادراتی، می‌توان سلطه بخش نامولد را کاهش و موانع رشد اقتصاد را کم کرد.

★ اصلاح ساختار بروکراسی و بهبود فضای کسب و کار

قوانین پیچیده و ساختار بروکراسی در ایران، به ویژه در حوزه صدور مجوزها، موانع جدی برای راه اندازی و توسعه کسب و کارها ایجاد کرده اند. این موانع تأثیرات منفی متعددی بر اقتصاد کشور داشته و نیازمند راه حل های مؤثر برای بهبود وضعیت هستند. براساس گزارش ها، طولانی بودن فرآیند شروع کسب و کار باعث شده رتبه ایران در شاخص «شروع کسب و کار» ۱۷۸ از بین ۱۹۰ کشور باشد. همچنین در ایران، به ازای هر ۸۰ نفر، ۲ نفر کارمند دولتی وجود دارد، در حالی که این نسبت در دنیا ۲ به ۸۰۰ است. این آمار نشان دهنده بروکراسی ۱۰ برابری در ایران نسبت به شد میانگین جهانی است. بروکراسی پیچیده و موانع کسب و کار، موجب بروز مشکلات زیر خواهد.

«**کاهش سرمایه گذاری:** فرآیندهای پیچیده و زمان بر صدور مجوزها، سرمایه گذاران را دلسرد کرده و مانع از ورود سرمایه های جدید به بازار می شوند.

«**ایجاد انحصار و رانت:** بروکراسی سنگین و قوانین دست و پاگیر، فرصت سوءاستفاده و ایجاد رانت را برای برخی افراد فراهم می کند. این امر به نابرابری در دسترسی به فرصت های اقتصادی و کاهش رقابت پذیری منجر می شود.

«**کاهش انگیزه کارآفرینی:** موانع اداری و نیاز به طی مراحل متعدد برای اخذ مجوز، انگیزه افراد برای راه اندازی کسب و کارهای جدید را کاهش می دهد. این مسئله به کاهش نوآوری و اشتغال زایی در کشور می انجامد.

★ استفاده از ظرفیت های مغفول اقتصادی

اقتصاد ایران ظرفیت های مستعد رشد بسیاری دارد که دست نخورده باقی مانده اند. از میان آن ها، به نظر می رسد دو بخش معدن و توسعه انرژی های تجدیدپذیر، بیش از بخش های دیگر فرصت جهش اقتصادی ایران را فراهم کنند.

«**بخش معدن:** ایران با داشتن ۷ درصد از ذخایر معدنی جهان، از جمله منابع عظیم زیرزمینی، ظرفیت بالایی در توسعه صنایع معدنی دارد.

اهمیت این بخش در رشد اقتصادی و توسعه تا حدی است که در سال‌های اخیر به شدت مورد توجه رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است: «[در بخش معدن] آنچه به من گزارش شده [این است که] ما حداکثر پانزده درصد از ظرفیت معدنی کشور را داریم استحصال میکنیم؛ پانزده درصد! ما معدن را باید جایگزین نفت کنیم؛ یعنی واقعاً بایستی ما بتوانیم... ما باید کاری بکنیم که هر وقت اراده کردیم، بتوانیم سرچاه‌های نفت خودمان را ببندیم»^۱.

بخش معدن از دو مسئله اصلی رنج می‌برد. نخست این که بسیاری از بخش‌های آن دست‌نخورده باقی مانده است، و دوم این که بدون ارزش افزوده خاص استخراج برای کشور صادر می‌شود. بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، ضعف در اکتشافات معدنی یکی از چالش‌های اصلی این بخش است. این امر منجر به ناشناخته ماندن بسیاری از ذخایر معدنی و در نتیجه عدم بهره‌برداری از آن‌ها شده است. بسیاری از معادن کوچک و متوسط به دلیل مشکلات مالی، فنی و مدیریتی به صورت کامل بهره‌برداری نمی‌شوند که این موضوع به هدررفت منابع معدنی منجر شده است و نشان‌دهنده این است که بخش معدن ظرفیت بسیار بالایی دارد که هنوز مورد استفاده قرار نگرفته است.

با توجه به سهم حدود ۱۶ درصدی بخش صنعت و معدن از تولید ناخالص داخلی و ۳۳ درصدی از اشتغال کشور، تمرکز بر توسعه این بخش می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی داشته باشد.

«**توسعه مکران:** سهم اقتصاد دریا محور از تولید ناخالص ایران، نزدیک به ۱ درصد است که حداقل ۸ درصد به آسانی ظرفیت رشد دارد. این مسئله باید با بهره‌گیری از کریدور جنوب ایران که چین، آسیای میانه، روسیه و غرب آسیا را درگیر می‌کند صورت پذیرد

«**انرژی‌های تجدیدپذیر:** استفاده از انرژی‌های خورشیدی، بادی و... علاوه

۱. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت؛ ۱۳۹۴/۰۶/۰۴

بر تأثیر بر کیفیت محیط زیست و منابع، می‌تواند نقش به سزایی در حل مسئله ناترازی انرژی (به خصوص برای صنایع) ایجاد کند. مسئله‌ای که در برنامه هفتم توسعه هم به آن اشاره شده و قرار گرفتن کشور در مسیر سرمایه‌گذاری برای آن، مسیر نو برای اقتصاد انرژی در ایران خواهد بود.

★ توسعه زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری در بخش‌های کلیدی

اقتصاد ایران هم‌اکنون نیاز فوری به سرمایه‌گذاری در دو زیرساخت دارد. یک زیرساخت «حمل‌ونقل» است که سرمایه‌گذاری در توسعه شبکه‌های حمل‌ونقل ریلی، جاده‌ای و دریایی می‌تواند هزینه‌های لجستیکی را کاهش دهد، نقش ایران را در جنگ کریدورها ارتقاء دهد و همچنین روابط راهبردی اقتصادی-امنیتی با کشورهای همسایه را تسهیل نماید. و دوم «تقویت زیرساخت‌های دیجیتال» است که راه ورود به جهان آینده است.

✎ دیپلماسی اقتصادی

از جمله مسائلی که این روزها مغفول واقع می‌شود، تغییر آرایش اقتصاد جهانی در نسبت با بیست سال گذشته است. مختصات اقتصاد جهانی در آن دوره، یکپارچه بودن زنجیره‌های ارزش اقتصادی و وابستگی زیاد اقتصاد کشورهای صاحب قدرت تحت سلطه به یکدیگر بود. در واقع با یک جهان نسبتاً تک قطبی آمریکایی مواجه بودیم. از این جهت، تمامی کشورهای ۱+۵ با تحریم‌های آمریکا به ناچار همراهی کرده و امکان تحمیل تگناهای شدیدی بر اقتصاد ایران وجود داشت. لذا امکان گردش سرمایه، همکاری در زمینه‌های تولیدی، صنعتی و تکنولوژی، و همچنین صادرات و واردات بسیار محدودتر بود. اما جهان، از آن دوره عبور کرده، اقتصاد جهانی تبدیل به اقتصادهای منطقه‌ای و زنجیره ارزش جهانی تبدیل به زنجیره ارزش‌های منطقه‌ای شده است. جهان امروز از جهان تک قطبی گذر کرده و وارد جهان چند قطبی شده است. در حال حاضر دولت آمریکا توان اجماع جهانی علیه ایران را ندارد، با دو کشور عضو ۱+۵ درگیر جنگ نظامی و اقتصادی است و آن طور که جیک

سالیوان، مشاور امنیت ملی دولت بایدن دو سال پیش اعتراف کرد، هژمونی جهان تک قطبی آمریکایی در حال افول است و دنیا به سمت اقتصادهای چند قطبی حرکت می‌کند. بر همین اساس است که مارکو رویو وزیر خارجه جدید آمریکا بیان کرده است که «تا پنج سال آینده دیگر نمی‌توانیم کشورها را تحریم کنیم». این مسائل نشانه‌هایی برای سیاستمداران ایرانی است که آمریکا قدرت ده سال پیش در اجماع‌سازی و اعمال قدرت در ایجاد محدودیت‌های اقتصادی ندارند. لذا این یک فرصت ویژه برای ایران جهت طرح همکاری‌های راهبردی با کشورهایی است که دارای منافع از تقابل با غرب و آمریکا هستند. از این فرصت در دولت سیزدهم تا حدودی استفاده شد و نتایج خوبی هم در پی داشت. اما کافی نبوده و شرکای تجاری، پیمان‌های منطقه‌ای و روابط راهبردی منطقه‌ای و به خصوص روسیه و چین باید گسترش پیدا کنند.

در نمودار پیش‌رو، نقشه‌راهی است که به شکل خلاصه جهت سیاست‌گذاری برای تحقق رشد ۸ درصدی را مشخص می‌کند. این نقشه راه بر اساس جمع‌بندی اظهارات کارشناسان و اساتید اقتصادی آورده شده است.

نقشه راه تحقق رشد هشتاد درصدی برنامه هفتم

